

سوره «ص» (۳۸)

حرف مقطعه «ص»

حرف «ص» در حروف مقطعه ۳ سوره به کار رفته است: سوره اعراف (المص)، سوره مریم (کهيعص) و سوره ص (ص).

مطابق محاسبات آماری دکتر رشاد خلیفه مجموع حرف «ص» در سه سوره فوق الذکر همانند سایر حروف مقطعه در بقیه سوره‌ها، ضریبی از عدد ۱۹ می‌باشد:

$$\text{اعراف}^1 (۹۷) + \text{مریم}^2 (۲۶) + \text{ص}^3 (۲۸) = ۱۵۲ = ۸ \times (۱۹)$$

۱. کلماتی که در سوره اعراف مشتمل بر حرف «ص» می‌باشند به ترتیب از ابتدای سوره عبارتند از: المص - صدرک - نقصن - صورناکم - صاغرین - صراطک - ناصحین - یخصفان - مخلصین - خالصه - تفصل - یقصون - اصلح - اصحاب - نصیبهم - صالحات - اصحاب - صدورهم - اصحاب - یصدون - اصحاب - صرفت - ابصارهم - اصحاب - اصحاب - اصحاب - فصلناه - اصلاحها - نصرف - انصح - ناصح - صادقین - صالحاً - قصوراً - صالحاً - صالح - فاصبحوا - نصحت - ناصحین - اصلاحها - صراط - تصدون - فاصبروا - فاصبحوا - نصحت - اصبناهم - نقص - صادقین - عصاه - عصاک - صاغرین - لاصلبنکم - صبراً - اصبروا - نقص - تصبهم - مفصلات - صبروا - یصنع - اصنام - اصلح - صعباً - اصطفیک - تفصیلاً - ساصرف - اصیب - اصرهم - نصره - عصاک - صالحون - صلوة - مصلحین - تفصل - فاقصص (۲ بار) - قصص (۲ بار) - یبصرون - صاحبهم - صالحاً - صالحاً - نصرأ - یبصرون - صامتون - صادقین - ینصرون - صالحین - نصرکم - ینصرون - یبصرون - مبصرون - یقصرون - بصائر - انصتوا - اصال. (جمعاً ۹۷ کلمه)
۲. به ترتیب از ابتدای سوره: کهيعص - صبیأ - عصیأ - قصیأ - صوماً - صبیأ - اوصانی - صلوة - صراط - ابصر - صدیقاً - یبصر - صراطاً - عصیأ - صدق - مخلصاً - صادق - صلوة - صدیقاً - صلوة - صالحاً - اصطبر - صلیأ - صالحات - احصیهم - صالحات (جمعاً ۲۶ کلمه).
۳. به ترتیب از ابتدای سوره: ص - مناص - اصبروا - اصحاب - صیحه، اصبر - فصل - خصم، خصمان - صراط - صالحات - صالحات - صافنات - اصحاب - غواص - اصفاد - بنصب - صابرأ - ابصار - خالصه - مصطفین - قاصرات - یصلونها - صالوا - ابصار - تخاصم - یختصمون - مخلصین، که جمعاً ۲۸ کلمه می‌باشد.

جالب اینکه در دو سوره اعراف و مریم نیز که حروف مقطعه ترکیبی دارند^۱ (المص - کهیعص)، مجموع حروف مقطعه هر سوره ضریب ۱۹ می باشد:^۲

سوره اعراف (المص) مجموع حروف چهارگانه (ا - ل - م - ص) = $5320 = 280 \times 19$

سوره مریم (کهیعص) مجموع حروف پنجگانه (ک - ه - ی - ع - ص) = $798 = 42 \times 19$

نظم آماری فوق که در مورد سایر سوره ها و سایر حروف مقطعه هم صادق است، نشانگر ارتباط مفهومی و موضوعی این سه سوره می باشد که باید به درک و فهم آن نزدیک شویم.

اتفاقاً شماره ترتیبی سوره مریم در قرآن ۱۹ و شماره سوره ص $38 = 19 \times 2$ می باشد. اگر خواسته باشیم فصل مشترکی برای سه سوره به دست آوریم، مهم تر از هر چیز به نظر می رسد جریان رسالت انبیاء باشد که موضوع اصلی هر سه سوره را تشکیل می دهد. به طوریکه در سوره اعراف نام ۷ تن از پیامبران،^۳ در سوره مریم نام ۱۰ تن^۴ و در سوره ص نام ۹ تن^۵ از آنان و رسالتشان ذکر گشته است. و عجیب اینکه اگر نام های تکراری را حذف کنیم، دقیقاً به ۱۹ رسالت می رسیم!! اسامی این رسولان که گویا همان «اصحاب الاعراف» سوره اعراف باشند عبارتست از:

نوح، هود، صالح، شعیب، ابراهیم، لوط، یعقوب، اسمعیل، اسحق، موسی (و هارون)،

۱. مجموع این حروف مقطعه در سه سوره فوق الذکر، ۹ حرف می باشد که مطابق تعابیر ریاضی رشاد خلیفه معنای بخصوصی دارد.

۲. شاید دلیل اینکه حروف مقطعه دو سوره مریم و اعراف ضریب ۱۹ هستند ولی تعداد حرف ص در سوره ص ضریب ۱۹ نیست در این باشد که حروف مقطعه دو سوره اعراف و مریم یک آیه مستقل حساب شده اند، ولی حرف مقطعه ص در ابتدای سوره ص یک آیه محسوب نگشته است.

۳. نوح، هود، صالح، لوط، شعیب، موسی و هارون.

۴. زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، اسمعیل، ادریس، هارون (نام اسرائیل هم آمده که لقب حضرت یعقوب می باشد).

۵. داود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحق، یعقوب، اسمعیل، الیسع، ذالکفل.

داود، سلیمان، ایوب، الیسع، ذالکفل، زکریا، یحیی، عیسی و ادریس.^{۱ و ۲}
 نکته مشترک دیگری که در ابتدای هر سه سوره به چشم می خورد، کلمه «ذکر» می باشد.
 سوره اعراف: المص، کتاب انزل الیک فلا یکن فی صدرک حرج منه لتنذر به و ذکر
 للمؤمنین. اتبعوا ما انزل الیکم... قلیلاً ما تذکرون.

سوره مریم: کهیصص، ذکر رحمت ربک عبده زکریا.
 سوره ص: ص والقرآن ذی الذکر.
 مشتقات کلمه «ذکر» مجموعاً ۳۶ بار در این سه سوره به کار رفته است^۳ که وفور
 کاربرد آنرا در این مجموعه نشان می دهد. بسیاری از این موارد مستقیماً در رابطه با رسولان
 قرار دارد که ذیلآ یادآور می شود:

سوره مریم آیه (۴۱) واذکر فی الکتاب ابراهیم.
 » » » (۵۱) واذکر فی الکتاب موسی
 » » » (۵۴) واذکر فی الکتاب اسمعیل
 » » » (۵۶) واذکر فی الکتاب ادریس
 » » » (۱۷) واذکر عبدنا داود
 » » » (۴۱) واذکر عبدنا ایوب
 » » » (۴۵) واذکر عبادنا ابراهیم واسحق و یعقوب.
 » » » (۴۸) واذکر اسمعیل والیسع و ذالکفل.
 در سوره اعراف نیز از زبان رسولان مرتباً با تکرار کلمه «واذکروا» تاکید بر کلمه «ذکر»
 می گردد:

سوره اعراف آیه (۶۹) او عجببتم ان جاء کم ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم
 واذکروا اذ جعلکم خلفاء... فاذکروا آلاء الله لعلکم تفلحون.
 » » » (۷۴) واذکروا اذ جعلکم خلفاء... فاذکروا الاء الله...

۱. تعداد رسولان ۲۰ تن می باشد. اما از آنجائیکه موسی و هارون (علیهما السلام) یک رسالت داشتند مجموع
 رسالت ها را ۱۹ گرفته ایم.

در ضمن در سوره مریم نام «اسرائیل» آمده است که لقب حضرت یعقوب می باشد. جالب اینکه در قرآن ۴۱ بار
 «بنی اسرائیل» آمده است اما فقط ۲ بار نام اسرائیل برده شده و هر دو در سوره های با حروف مقطعه می باشد: ۱-
 بقره (الم) آیه ۹۳، ۲- مریم (کهیصص) آیه ۵۸. اگر به جای «اسرائیل» در این دو سوره نام «یعقوب» آمده بود
 حساب آماری آن مختل می شد.

۲. البته نام حضرت مریم هم در سوره مریم برده شده چون رسالتی نداشته آن را ذکر نکردیم.

۳. ۱۶ بار در سوره اعراف، ۱۳ بار در سوره ص و ۷ بار در سوره مریم.

... واذکروا اذکنتم قلیلاً فکثرکم... (۸۶) » » »

...خذوا ما اتیناکم بقوة واذکروا ما فیه لعلکم تتقون. (۱۷) » » »

به این ترتیب پی می بریم که باید رابطه ای میان رسالت انبیاء الهی و کلمه «ذکر»، که قرآن را دارای آن دانسته (ص والقرآن ذی الذکر) و برای مؤمنین مفیدش خوانده (کتاب انزل الیک... لتنذربه و ذکرى للمؤمنین)، وجود داشته باشند. اکنون برای اینکه رابطه حرف «ص» را، که در هر سه سوره به کار رفته، با رسالت انبیاء توصیف شده در این سوره ها پیدا کنیم، باید ببینیم کدام ویژگی از انبیاء فوق الذکر «تذکر» (توجه به تکرار کلمه «واذکر» در سوره های مریم و ص) داده شده است که با حرف «ص» ارتباط دارد؟

با بررسی ساده ای می بینیم اتفاقاً همه جا صفاتی که از انبیاء توصیف شده با حرف «ص» ترکیب شده است.

ذیلاً این موارد را در سه سوره مورد نظر بررسی می کنیم:

* سوره مریم

- | | |
|-------|--|
| صدقت | آیه (۴۱) واذکر فی الکتاب ابراهیم انه کان صدیقاً نبیاً. |
| اخلاص | » (۵۱) » » موسی انه کان مخلصاً و کان رسولاً نبیاً. |
| صدقت | » (۵۴) واذکر فی الکتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً. |
| صدقت | » (۵۶) واذکر فی الکتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیاً. |
| صدقت | » (۵۰) و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیاً. |
- (درباره اسحق و یعقوب)

نه تنها از جهت مثبت، بلکه از جهت منفی نیز صفات آنها با حرف «ص» ارتباط دارد:

مثل:

- | | |
|-----------|---|
| عدم عصیان | آیه (۱۴) و براً بوالدیه ولم یکن جباراً عصیاً. |
| صلوة | از صفات دیگری که از انبیاء نام برده در سوره مریم می توانیم مشاهده کنیم، توصیه آنها به «صلوة» بوده است که با حرف «ص» نوشته می شود: |
| صلوة | آیه (۳۱) ... و اوصانی بالصلوة والزکوة مادمت حیاً |

آیه (۵۵) و کان یامر اهله بالصلوة و کان عند ربه مرضیاً

به این ترتیب می توان گفت در سوره مریم از صداقت، اخلاص و صلوة ۷ پیامبر نام برده است.

* **سوره اعراف**

نصیحت

درباره نوح: ابلغکم رسالات ربی و انصح لکم...

نصیحت

درباره هود: «... و انالکم ناصح امین»

نصیحت

«صالح: فتولی عنهم و قال یاقوم لقد ابلغتکم رسالات ربی و نصحت لکم و لکن لا تحبون الناصحین»

نصیحت

«شعیب: «... فکیف اسی علی قوم کافرین»

به این ترتیب تبلیغ رسالت های الهی و «نصیحت» و خیرخواهی برای مردم، عمده ترین صفتی است که از انبیاء چهارگانه فوق در سوره اعراف نقل شده است (و صفت دیگری نیز از انبیاء فوق در سوره اعراف ذکر نگردیده).^۱ به نظر می رسد «اصحاب الاعراف» که در آیات ۴۶ و ۴۷ به نقش آنان اشاره شده:^۲ پیامبرانی باشند که مبلغ رسالات الهی و خیرخواه مردم بودند.

* **سوره ص**

صبر

آیه (۱۷) اصبر علی ما یقولون واذکر عبدنا داود ذا الایه انه اواب^۳

صبر

«(۴۴) (واذکر عبدنا ایوب) ..انا وجدناه صابراً نعم العبد انه اواب

بصیرت

«(۴۵) واذکر عبادنا ابراهیم و اسحق و یعقوب اولی الایدی و الابصار»

خلوص

آیات (۴۶ و ۴۷) انا اخلصناهم بخالصة ذکرى الدار

صفا

و انهم عندنا لمن المصطفین الاخیار»

در مورد سه پیامبر نام برده در آیه ۴۸ (واذکر اسمعیل و الیسع و ذاکفل و کل من الاخیار) گرچه منحصرأ به تعلق آنها به سلسله «اخیار» (نیکان) اکتفا شده و صفتی که مشتمل بر حرف «ص» باشد از آنها ذکر نگردیده^۴ ولی همانند حضرت داود (ع) «صبر» این پیامبران را

۱. از آیه ۱۴۴ (قال یا موسی انی اصطفیتک ...) می توان صفت «صفا» را نیز برای حضرت موسی (ع) دریافت کرد.

۲. کلمه اصحاب ۹ بار در سوره اعراف تکرار شده که بعد از سوره و واقعه از سایر سوره های قرآن بیشتر است (۴ بار اصحاب النار - ۴ بار اصحاب الجنة - یکبار اصحاب الاعراف)

۳. در آیه فوق با تذکر به داستان حضرت داود، به پیامبر اسلام توصیه به صبر شده است. گرچه در این سوره مستقیماً صفت صبر به داود (ع) نسبت داده نشده، اما از سوره های دیگر می توان این ویژگی داود را دریافت کرد. از جمله آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ بقره (... قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله والله مع الصابرين و لما برزوا لجالوت و جنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرين فهزموهم باذن الله و قتل داود جالوت ...)

۴. اگر به جای کلمه «اخیار» در آیه ۴۸ صفت صابرين که در آیه ۸۵ سوره انبیاء در شأن پیامبران فوق به کار رفته تکرار می شد نظم آماری حرف «ص» به هم می خورد و قابل تقسیم بر عدد ۱۹ نبود.

می توان از آیات دیگر قرآن دریافت نمود. این مطلب را به روشنی می توانیم در آیه ۸۵ سوره انبیاء مشاهده کنیم:

واسمعیل و ادریس و ذالکفل کل من الصابرين.

اتفاقاً این آیه که با جمله «کل من الصابرين» ختم می شود، به دنبال داستان نوح و داود و سلیمان و ایوب و اسمعیل و ادریس و ذالکفل به عنوان جمع بندی بیان شده است که صفت صبر را برای انبیاء فوق، که اتفاقاً نام همه آنها در سوره ص تکرار شده است، تعمیم می دهد.^۱ به این ترتیب می توان گفت مشخصه اصلی ۷ تن از ۱۰ پیامبری که نامشان در سوره «ص» آمده است (نوح - داود - سلیمان - ایوب - اسمعیل - الیسع - ذالکفل) «صبر» و مشخصه ۳ تن دیگر (ابراهیم، اسحق و یعقوب) با توجه به آیات ۴۵ تا ۴۷ سوره «ص»، «بصیرت»، «خلوص» و «صفا» می باشد.^۲



اینک با توجه به مطالب فوق درباره رسولان و «ذکر» صفات آنها شاید بتوان گفت که مقصود از حرف «ص» در حروف مقطعه سوره های اعراف، مریم و ص «صفت» رسولان می باشد که عمدتاً با حرف «ص» به شرح ذیل بیان شده است:

۱. به جای ادریس در سوره ص «الیسع» آمده است که به نظر می رسد هر دو مربوط به یک پیامبر باشد، بخصوص مقایسه آیه ۸۵ انبیاء و ۴۸ ص این مطلب را نشان می دهد (والله اعلم).

۲. در سوره انبیاء که اتفاقاً داستان همان ۱۰ پیامبری که در سوره ص بیان شده نقل گردیده ۷ پیامبر را با صفت صبر یاد می کند و ۳ پیامبر را با صفت صالح.

قبل از داستان انبیاء هفتگانه فوق که صفت مشترکشان به دلیل آیه «کل من الصابرين» صبر می باشد از ۳ پیامبر دیگر نام می برد که صفت مشترکشان به دلیل آیه جمع بندی: کلاً جعلنا صالحین. صالح می باشد. (... و سلاماً علی ابراهیم... و نجیناه و لوطاً... و وهبنا له اسحق و یعقوب نافله و کلاً جعلنا صالحین... و لوطاً... انه من الصالحین).

۳. در سوره انبیاء که اتفاقاً داستان همان ۱۰ پیامبری که در سوره ص بیان شده نقل گردیده ۷ پیامبر را با صفت صبر یاد می کند و ۳ پیامبر را با صفت صالح. قبل از داستان انبیاء هفتگانه فوق در سوره انبیاء که صفت مشترکشان به دلیل آیه کل من الصابرين» صبر می باشد از ۳ پیامبر دیگر نام می برد که صفت مشترکشان به دلیل آیه کل من الصابرين» صبر می باشد. از ۳ پیامبر دیگر نام می برد که صفت مشترکشان به دلیل آیه جمع بندی: کلاً جعلنا صالحین» صالح می باشد (... و سلاماً علی ابراهیم... و نجیناه و لوطاً... و وهبنا له اسحق و یعقوب نافله و کلاً جعلنا صالحین... و لوطاً... انه من الصالحین).

| | |
|------------|--|
| صداقت | درباره: ابراهیم، اسمعیل، ادریس، اسحق و یعقوب. |
| صفا و خلوص | » : موسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب. |
| (اهل) صلوة | » : عیسی و اسمعیل، سلیمان ^۱ |
| نصیحت | » : نوح، هود، صالح، شعیب. |
| صبر | » : داود، ایوب، اسمعیل، ادریس، ذالکفل، نوح، سلیمان |
| بصیرت | » : ابراهیم و اسحق و یعقوب |

ذکر این مطلب نیز قابل توجه و بررسی است که ۶ کلمه «صبر»، «صراط»، «صالحات»، «ابصار»، «اخلاص» در هر سه سوره مشترکاً به کار رفته است که محورهای مرتبط این سه سوره را نشان می‌دهد.^۲

محتوای سوره

سوره «ص» همانند سوره قبل (صافات)، مشتمل بر نظریات مشرکین و تکذیب پیامبر (ص) می‌باشد و از انبیاء گذشته برای تقویت روحیه آن حضرت یاد می‌کند، با این تفاوت که در سوره صافات عمدتاً جریات نجات رسولان و هلاک اقوام تکذیب کننده را مطرح می‌سازد و پایان کار طرفین را نشان می‌دهد و در سوره «ص» از صبر و پایداری آنها در زمینه‌های مختلف نشانه می‌آورد و متن جریان را نشان می‌دهد.

مقدمه سوره و مؤخره آن^۳ در ارتباط با سرکشی و امتناع مشرکین و دعاوی گمراهانه آنان برای تکذیب پیامبر (ص) می‌باشد و متن سوره از ۳ بخش عمده:

- ۱- داستان انبیاء [داود، سلیمان، ایوب (بطور تفصیلی) و ابراهیم و اسحق و یعقوب و اسمعیل و الیسع و ذالکفل (به اجمال)] ۳۷ آیه
 - ۲- بهشت متقین و جهنم طاغین (وصف ویژگی‌ها) ۱۶ آیه (آیات ۴۹ تا ۶۴).
 - ۳- داستان آفرینش انسان (سجده ملائک، استکبار ابلیس و مهلت برای اغوای انسان‌ها) ۱۵ آیه (۷۱ تا ۸۵)
- تشکیل شده که بخش مربوط به داستان انبیاء بیشترین آیات را به خود اختصاص داده

۱. داستان حضرت سلیمان در سوره ص توجه آن حضرت را به وقت نماز نشان می‌دهد.
 ۲. صبر در سوره‌های: اعراف، مریم و ص (۴ + ۱ + ۳) صراط (۲ + ۲ + ۱)، صالحات (۱۳ + ۳ + ۲)، ابصار (۶ + ۲ + ۲)، اخلاص (۲ + ۱ + ۳) مرتبه به کار رفته است.
 ۳. مقدمه شامل ۱۱ آیه و مؤخره شامل ۳ آیه می‌باشد. البته در متن نیز (آیات ۶۵ تا ۷۰) خطاب‌هایی به مشرکین زمان پیامبر اسلام وجود دارد.

است.

در این بخش از ۹ پیامبر (در سه گروه سه تائی) یاد می کند که داستان سه نفر نخست (داود، سلیمان و ایوب) را در قالب قضایائی به تفصیل بیان می کند و در مورد بقیه به ذکر صفتی از آنها اکتفا می نماید.

از مضمون و محتوای سه قضیه ای که برای ابتلاء و آزمایش این سه پیامبر نقل شده، چنین استنباط می شود که غرض نشان دادن «صبر» آنها در سه زمینه مختلف به شرح ذیل بوده است: (ویژگی این سه پیامبر صبر و آوآب بودن می باشد.)

۱- داود (ع): صبر در حکمیت و قضاوت در اختلافات. (اصبر علی یقولون واذکر عبدنا داود)

۲- سلیمان (ع): «صبر» در عبادت (مراقبت بر وقت نماز) و نعمت (خود را گم نکردن و مغرور قدرت و امکانات نشدن)

۳- ایوب (ع): «صبر» در مصیبت و محنت. (انا وجدناه صابراً نعم العبد انه اواب)

گرچه از دو داستانی که در باره داود و سلیمان (علیهما السلام) نقل شده، به روشنی خطائی از آنها را در حکم کردن و از دست دادن وقت نماز می توان دریافت کرد که ظاهراً دلالت بر بی صبری می کند، اما بلافاصله از استغفار و بازگشت فوری آنها و اصلاح و جبران خطایشان نام می برد که توفیق آنها را در فتنه و آزمایش الهی به نمایش می گذارد. جالب اینکه ویژگی هائی که از هر کدام نام می برد (اواب، اناب، استغفار، ان له عندنا لزلفی...) مشترک است:

در مورد داود (ع): واذکر عبدنا داود ذا الایه انه اواب...

و ظن داود انما فتناه فاستغفر ربه و خر راكعاً و اناب.

فغفرنا له ذلک و ان له عندنا لزلفی و حسن مآب.

در مورد سلیمان (ع): ووهبنا لداود سلیمان نعم العبد انه اواب.

ولقد فتننا سلیمان والقینا علی کرسیه جسداً ثم اناب.

قال رب اغفر لی... و ان له عندنا لزلفی و حسن مآب.

همچنین در مورد سومین پیامبر این گروه، یعنی حضرت ایوب (ع) نیز صفت «اواب» را به کار برده است که معنای بازگشت مکرر و توبه مستمر به درگاه خدا دارد (انا وجدناه صابراً نعم العبد انه اواب). از ذکر این صفت و نیز اشاراتی که به اجمال و ابهام به بیم شکستن سوگند شده (فاضرب به ولا تحث)، همچنین از مضمون احادیث و روایاتی که در مورد این

آیات و احساس رضایت ایوب در انجام عبادت نقل شده، مجموعاً این تصور به ذهن خطور می‌کند که شاید (والله اعلم) حضرت ایوب نیز همانند دو پیامبر دیگر در جریان فتنه و ابتلاء الهی مرتکب خطای کوچکی گردیده که بلافاصله استغفار و جبران کرده است.^۱ به این ترتیب با ذکر تفصیلی جریان فتنه و ابتلاء سه پیامبر بزرگ، به رسول اکرم حضرت خاتم النبیین (ص) این پیام القاء می‌گردد که در ابلاغ رسالت خود باید در تمامی زمینه‌ها «صبر» نماید؛ صبر در برابر گفتارهای مغرضانه مردم (واصبر علی ما یقولون واذکر عبدنا داود)، صبر در برابر طاعت و مکنت و بالاخره صبر در برابر محنت و مصیبت.

در مورد سه پیامبر گروه دوم به اختصار و اجمال از بصیرت و خلوص و صفای آنها یاد می‌کند:

واذکر عبدنا ابراهیم و اسحق و یعقوب اولی الایدی والابصار.
انا اخلصناهم بخالصة ذکرى الدار.
وانهم عندنا لمن المصطفین الاخیار.

نیرومندی و بصیرت، خالصانه یاد خانه جاوید بودن و صفا و خوبی، خصلت‌های ممتاز دیگری است که پیامبر اسلام (ص) باید یادآور آن گردد.

و اما سه پیامبر گروه سوم در یک آیه و منحصرأ با صفت «اخیار» معرفی شده‌اند:

واذکر اسمعیل والیسع و ذالکفل و کل من الاخیار.

همانطور که قبلاً گفته شد (در آیه ۸۵ سوره انبیاء) ۲ تن از سه پیامبر فوق به صفت صبر ستوده شده‌اند. بنابراین این صفت در رابطه با صفت سه پیامبر گروه اول (داود، سلیمان و ایوب) می‌باشد:

واسمعیل وادریس و ذالکفل کل من الصابیرین^۲.



آنچه در باره انبیاء سلف گفته شد، «ذکری» است برای رسول اکرم و مؤمنین تا صبر پیشه سازند و در راه اهداف پایداری نمایند. این سوره با اشاره به خاصیت ذکر داشتن قرآن آغاز می‌گردد (ص والقرآن ذی الذکر) و مجموعاً مشتمل بر ۱۳ مورد مشتقات کلمه ذکر

۱. این مطلب معصومیت انبیاء را نقض نمی‌کند، آنها هرگز گناهان انسان‌های عادی را مرتکب نمی‌شدند. اما از آنجائی که خدا بی‌نهایت است و صفات او حد و حصری ندارد، در تخلق به اخلاق الله درجه و مرتبه وجود دارد و معصومیت نسبی می‌گردد.

۲. این مطلب قابل مطالعه است که چرا به جای نام الیسع در آیه ۴۸ سوره ص، در سوره انبیاء نام ادريس قرار گرفته است. (همچنین وجود حرف «واو» در آیه «وکل من الاخیار»)

می باشد که پس از سوره اعراف از بقیه سوره های قرآن بیشتر است^۱ (بطور نسبی بالاترین رقم را دارد). خود قرآن به دلیل مشتمل بودنش بر تذکرات فراوان «ذکر» نامیده شده (آیات ۱ و ۸ و ۲۹ و ۴۹ و ۸۷ به همین معنا اشاره دارد) و ۴ بار در این سوره عبارت «واذکر» به منظور یادآوری سرگذشت بندگان خالص خدا تکرار شده است که نشان می دهد قرآن متضمن ذکری از انبیاء می باشد. همچنین در آخرت نیز از مهم ترین مسائلی شمرده شده که باید به یاد آن بود (انا اخلصناهم بخالصة ذکری الدار). نکته مهم اینکه منحصرأ اولوالالباب از داستان انبیاء و پندهای سوره متذکر می شوند:

آیه (۲۹) کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته ولیتذکر اولوالالباب.

آیه (۴۴) ووهبنا له (ایوب) اهله و مثلهم معهم رحمة منا و ذکری لا ولی الالباب.
اولوالالباب خردمندانی هستند که علم را با تقوی درهم آمیخته اند و پس از شناخت هر حقیقتی متذکر گشته خود را اصلاح می نمایند.^۲ در این سوره داستان سلیمان و ایوب را که پس از شناخت و آگاهی نسبت به خطای خود، بلافاصله به سوی خدا رجعت و استغفار کردند، به عنوان تذکری برای اولوالالباب نقل می نماید. تدبر در آیات برای هر کسی که اهل نظر و دقت باشد میسر است، اما تذکر از آن اولوالالباب است (لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب).

نکته های قابل توجه

۱- پنجمین آیه این سوره که اصلی ترین ایراد مشرکین به پیامبر (ص) را در یگانه شمردن خدا می شمارد (اجعل الالهة الهأ واحداً ان هذا لشیء عجاب) دقیقاً چهارمین آیه سوره قبل (ص) را تداعی می نماید که خطاب به کافران صادر شده است. (ان الهکم لواحد).
۲- معنای «عزت» را در مقابله؛ دو آیه: ۲- بل الذین کفروا فی عزة و شقاق. و ۲۳- «عزنی فی الخطاب» می توان بهتر فهمید.

۳- معنای کلمه «شطط» در آیه ۲۲ (...فاحکم بیننا بالحق ولا تشطط واهدنا الی سواء الصراط) با توجه به دو مورد دیگری که در قرآن آمده است، حرف بی ربط و یاوه و

۱. سوره اعراف با حجم حدود ۵ برابر سوره ص مشتمل بر ۱۷ مورد مشتقات کلمه ذکر است. در سوره انبیاء هم ۱۳ مورد کلمه ذکر آمده است.

۲. کسانی که حق را می شناسند و به آن عمل نمی کنند، مانند پزشکانی هستند که مضرات مسکرات را به خوبی می دانند ولی خود به آن آلوده هستند. یا عالمان بی عمل و ناصحان از خود غافل، اما اولوالالباب با هر شناختی خدا را «ذکر» کرده به نیروی تقوی خود را از خطا برکنار می دارند.

قضاوت سطحی و نیندیشیده می باشد که کار سفیهان است:

سوره کهف آیه ۱۴- لن ندعوا من دونه الها فقد قلنا اذا شططاً.

سوره جن آیه ۴- و انه كان يقول سفیهنا علی الله شططاً.

۴- از ۵ موردی که کلمه «اواب» در قرآن به کار رفته است ۴ مورد آن در این سوره قرار دارد (دو مورد دیگر آیه ۱۴ آل عمران و ۳۶ رعد می باشد). کلمه «اواب» در این سوره به داود و سلیمان و ایوب (ع) نسبت داده شده است و یک مورد آن در آیه ۱۹ به پرندگان (والطیر محشورة کل له اواب).

۵- کلمه «حساب» ۴ بار در این سوره به کار رفته است که بیش از سایر سوره های قرآن می باشد (مساوی آل عمران و رعد). در سه آیه اشاره به یوم الحساب شده است:

آیه (۱۶) عجل قطننا قبل یوم الحساب. آیه (۲۶) لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب. آیه (۵۳) هذا ما توعدون لیوم الحساب.

۶- کلمه «نار» ۵ بار در این سوره به کار رفته است که پس از سوره های ۲، ۳، ۴، ۴۰، ۷، ۹، ۱۱ در ردیف بعد قرار دارد.

اسماء الحسنی

در این سوره فقط ۲ بار نام جلاله «الله» تکرار شده که بسیار کم می باشد، در عوض ۱۰ بار نام «رب» به صورت مضاف الیه یا در اتصال با ضمائر به کار رفته است، به جز این دونام هیچیک از اسماء الحسنی در این سوره به کار نرفته است.

آهنگ انتهائی آیات

آیات سوره «ص» با ۱۰ حرف (ب، ن، ر، د، ق، م، ص، ج، ط و ل) خاتمه پیدا می کند که بر حسب تعداد به ترتیب عبارتند از:

$$۸۸ = (۱ + ۱ + ۱ + ۲ + ۳ + ۶ + ۶ + ۱۵ + ۱۸ + ۳۵)$$

حرف «ب» نسبت به سایر حروف و سایر سوره ها بسیار زیاد است.

ارتباط سوره های «ص» و «زمر»

وجه مشترک میان این دو سوره نیز همچون دو سوره قبل، «توحید» است که در آیات ابتدای هر کدام هویدا می باشد. در پنجمین آیه سوره ص تعجب کافران را از اینکه یک خدا به جای خدایان متعدد باشد ذکر می نماید (اجعل الالهه الها واحداً ان هذا لشی عجاب) و در سومین آیه سوره «زمر» علت اتخاذ بت ها را ادعای کافران برای تقرب به خدا از طریق این

واسطه ها ذکر می کند (الا لله الدين الخالص والذين اتخذوا من دونه اولياء ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفى...) و تنفرشان را نسبت به عقیده یک خدائی (توحید) نشان می دهد.^۱

سوره ص مسئله اعتقادی «توحید» را برای ارائه مصداق تحقق یافته و نمونه عملی با معرفی سه تن از پیامبران بزرگ یعنی داود، سلیمان و ایوب (و در قالب آزمایش و تجربه ای که برای هر کدام پیش آمد) نشان می دهد و چگونگی بازگشت دائمی این بندگان خالص شده را پس از هر نسیان و دور شدنی بیان می کند. در حالی که در سوره «زمر» مسئله توحید را در «خالص کردن دین برای خدا» و «تعبد» انحصاری به درگاه او مطرح می نماید، منظور از دین، راه و رسم و آئین زندگی و قانون و مقررات آن در روابط فردی و اجتماعی است و منظور از عبادت و تعبد، تن دادن و تسلیم شدن قلبی به آن. پس منظور از خالص کردن دین برای خدا یعنی در تمامی شئون زندگی برطبق خواست و اراده و قانون او عمل کردن و قلباً تسلیم و راضی باشد. در این سوره علیرغم کوتاه بودن نسبی آن ۱۴ مرتبه مشتقات کلمه «عبادت» در رابطه با توحید به کار رفته است که تمرکز محوری سوره را روی این مسئله نشان می دهد^۲ و سه بار جمله «مخلصاً له الدين» را به کار برده که بی نظیر در قرآن می باشد. یکی در همان اول سوره (انا انزلنا اليك الكتاب بالحق فاعبد الله مخلصاً له الدين. الا الله الدين الخالص... - فاعبدوا ما شئتم...) که عبادت خدا را تنها موقعی قابل قبول می شمارد که دین برای او خالص شده و بنده تسلیم کامل باشد.

نام نیکوی «واحد القهار» جمعاً ۶ بار در قرآن آمده است که ۳ مورد آن در این دو سوره و سوره بعدی (مؤمن) قرار دارد و این امر ارتباط آنها را با یکدیگر در موضوع توحید نشان می دهد:

سوره ص (آیات ۶۵ و ۶۶) قل انما انا منذر و ما من اله الا الله الواحد القهار - خلق السموات والارض بالحق... رب السموات والارض و ما بينهما العزيز الغفار.

سوره زمر (آیات ۴ و ۵) لو اراد الله ان يتخذ ولداً لاصطفى مما يخلق سبحانه هو الله الواحد القهار - خلق السموات والارض بالحق... الا هو العزيز الغفار.

در آیات فوق «واحد القهار» بودن خدا را در آفرینش آسمانها و زمین و اداره آنها و آنچه

۱. در این سوره نیز نه تنها تعجب، بلکه اشمئزاز قلبی کافران را از یکی بودن خدا و خوشحالی آنها را از چند خدائی نشان می دهد: (آیه ۴۵) واذا ذكر الله وحده اشمأزت قلوب الذين لا يؤمنون بالاخرة واذا ذكر الذين من دونه اذاهم يستبشرون.

۲. آیات ۲-۳-۷-۱۱-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۷-۴۶-۵۳-۶۴-۶۶

میان آنها است و گردش شب و روز و حرکت حساب شده ماه و خورشید تا سرآمد معین می‌شمارد که هر دو سوره در یک زمینه بوده و هر دو با صفات «عزیز الغفار» که تاکید روی برتر بودن قدرت چنین پروردگار نظام دهنده و بخشاینده می‌گردد.

محور اتصال و ارتباط این دو سوره نیز جالب است. سوره «ص» با سوگند ابلیس برای گمراه کردن تمامی ابناء بشر، به جز «بندگان مخلص» و پاسخ خداوند به چنین ادعائی ختم می‌شود (قال فبعزتك لا غوینهم اجمعین - الا عبادک منهم المخلصین) و سوره زمر با تاکید بر اینکه همان خداوند عزیز و حکیم (که ابلیس به عزتش سوگند می‌خورد) کتاب را نازل کرده است تا هر انسانی بداند چگونه می‌توان «بنده خالص» شد تا از شر شیطان در امان ماند. این راه که در کتاب تبیین شده، چیزی جز تعبد انحصاری به درگاه خدا، درحالی که دین برای او خالص شده باشد، نیست.

موضوع «کتاب» و جنبه ذاکر بودن آن در هر دو سوره از محورهای اساسی می‌باشد، سوره زمر که با جمله «تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم» آغاز می‌گردد، از ابتدا روی کتاب به عنوان راهنمای عمل توحیدی و نشان دهنده دین خالص تاکید می‌نماید و آن را نوری از جانب پروردگار و وسیله بیداری بشر «ذکر» می‌شمارد که می‌تواند به این وسیله راه خود را تشخیص دهد:

افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه فویل للقاسیه قلوبهم من ذکر الله اولئک فی ضلال مبین - الله نزل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً متشانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی به من یشاء و من یضل الله فما له من هاد.

و اضافه می‌نماید در این کتاب برای «تذکر» مردم از هر مثلی زده شده است (ولقد صرفنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون - قرأنا عربیاً غیر ذی عوج لعلهم یتقون). بنابراین چون جنبه تذکر دارد، به میل قلبی بندگان بستگی پیدا می‌کند (انا انزلنا علیک الکتاب بالحق فمن اهتدی فلنفسه و من ضل فانما یضل علیها و ما انت علیهم بوکیل) که بهتر است قبل از مرگ و حسرت از گذشته آن پیروی نمایند (واتبعوا احسن ما انزل الیکم من ربکم من قبل ان یاتیکم العذاب بغتة و انتم لاتشعرون - او تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله وان کنت لمن الساخرین).

سوره ص نیز با آیه «والقرآن ذی الذکر» افتتاح می‌شود که بر ماهیت «ذاکر بودن» کتاب از همان نخست تاکید می‌نماید. در متن سوره نیز هر کجا داستان پیامبران را نقل می‌نماید، با فرمان: واذکر عبدنا داود، واذکر عبدنا ایوب، واذکر عبادنا ابراهیم و اسحق و یعقوب،

واذکر اسمعیل والیسع و ذوالکفل... آنها را یاد می‌کنند. اعتراض کافران را نیز به‌عنوان این که چرا از میان ما ذکر بر او نازل شده نقل می‌نماید (انزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شک من ذکر... نزول کتاب را برای تذکر اولوالالباب می‌شمرد (کتاب انزلناه مبارک لیدبروا و آیاته ولیتذکر اولوالالباب) فراموشی سلیمان را از ذکر رب می‌داند (فقال انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی...) داستان ایوب را برای ذکر خردمندان می‌داند (رحمة منا و ذکرى لاولی الالباب)، یاد دائمی خانه آخرت را ویژگی انبیاء می‌داند (انا اخلصناهم بخالصة ذکرى الدار) و بالاخره درآیه ۴۹ این کتاب را ذکر می‌نامد (همچون اول سوره) هذا ذکر وان للمتقین لحسن مآب.